

## بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده و میزان رشد حرکتی کودکان ۳-۴ ساله شهر اصفهان

مجتبی شاهنوشی<sup>۱\*</sup>، نعیمه قاسمی<sup>۲</sup>

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

### چکیده

تغییر و پیشرفت در رفتارهای حرکتی فرد در نتیجه تاثیر متقابل عوامل ارثی و محیطی حادث می شود. در این میان خانواده به عنوان یک عامل محیطی که علاوه بر اینکه تعیین کننده نژاد و قومیت کودک است می تواند با انتخاب شیوه های تربیتی و نوع سبک زندگی شرایط متفاوتی را برای رشد حرکتی کودکان فراهم کند. این تحقیق سعی کرده است به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده و میزان موفقیت کودکان در اجرای مهارت های درشت و ظریف پردازد. برای دستیابی به هدف مذکور تعداد ۲۴۵ کودک از شهر اصفهان با روش نمونه گیری ترکیبی احتمالی - خوشه ای - سیستماتیک انتخاب شدند و اطلاعات لازم از طریق آزمون رشد دنور ۲ در دو حیطه مهارت های حرکتی درشت و ظریف و پرسشنامه محقق ساخته مربوط به ویژگی های والدین به دست آمد. نتایج بدست آمده حاکی از رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت های حرکتی ظریف و مهارت های حرکتی درشت بود.

**واژه‌های کلیدی:** پایگاه اجتماعی خانواده، رشد حرکتی، مهارت حرکتی درشت، مهارت حرکتی ظریف، کودکان.

## مقدمه

رشد حرکتی فرایندی چند بعدی است که تغییرات رفتار حرکتی انسان در طول عمر را شامل می‌شود. اما به تعریف دقیق‌تر رشد حرکتی یعنی توسعه حرکات انسان از شکل بازتابی تا رسیدن به شکل ارادی و پیشرفته که این تغییرات بوجود آمده در رفتار حرکتی یک فرد در نتیجه تعامل ارگانسیم در حال رشد و محیط زندگی او حادث می‌شود (ایساکس، ۱۳۸۴: ۳). در فرآیند رشد حرکتی عوامل تاثیرگذار متعددی وجود دارد که به طور کلی به دو دسته وراثت و محیط تقسیم می‌شود که می‌توان وراثت را همان عوامل داخلی نظیر ژنتیک، زمینه‌های قومی و نژادی، غدد درون ریز و تنظیم کننده ای اولیه رشد و عوامل خارجی نظیر آب و هوای محیط زندگی، میزان فعالیت جسمانی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده قلمداد کرد (مالینا، ۱۳۸۱: ۶۱۲).

اگرچه عوامل داخلی و خارجی هر دو بر رشد حرکتی تاثیرگذار است، اما عامل وراثت غیرقابل کنترل و از پیش تعیین شده است. اما عوامل خارجی بیشتر متغیر و قابل انعطاف است و تحت شرایط محیطی است که کودک در آن زندگی می‌کند. محیط زندگی در ابتدا به خانواده و سپس به جامعه اطلاق می‌شود. خانواده اولین جایگاه تاثیرگذار بر اخلاق، رفتار و شخصیت کودک است و علاوه بر آن می‌تواند بر رشد و نمو جسمی و حرکتی او نیز موثر واقع شود. آنچه که شرایط رشد حرکتی کودک را تحت شعاع خود قرار می‌دهد پایگاه اجتماعی خانواده‌هاست. پایگاه اجتماعی خانواده اگرچه اصطلاحی است عمدتاً اقتصادی، اما به طور کلی علاوه بر عوامل اقتصادی، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده را نیز شامل می‌شود. تعیین پایگاه اجتماعی خانواده اصولاً طبق معیارهای خاصی انجام می‌شود نظیر شغل، میزان تحصیلات، حقوق، شیوه زندگی و غیره. تفاوت در پایگاه اجتماعی خانواده‌ها به نوعی تفاوت در شیوه تربیت فرزندان است و این تفاوت در فضای تربیتی عامل اثرگذار بر رشد حرکتی باشد (ایساکس، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

اگرچه این امر به طور منظم و سیستماتیک ارتباطی با تبصر در مهارت حرکتی ندارد با این وجود تفاوت فضای تربیتی اغلب به عنوان زمینه تفاوت‌های جنسی و قومی، نژادی در رشد حرکتی قلمداد می‌شود (مالینا، ۱۳۸۱: ۲۱۸). از سوی دیگر پایگاه اجتماعی خانواده تعیین کننده شیوه زندگی افراد خواهد بود و به طور مثال می‌تواند فاکتورهایی نظیر تغذیه را تحت تاثیر خود قرار دهد و این در حالی است که به اعتقاد برخی کارشناسان تغذیه بیشترین تاثیر را بر رشد حرکتی کودک دارد (شبان، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

با توجه به اهمیت پایگاه اجتماعی خانواده به عنوان ساختاری که از عوامل متعدد اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده و تاثیری که هر یک از این عوامل می‌تواند بر روی رشد حرکتی کودکان داشته باشد محقق بر آن شد تا در پاسخ به این سوال بر آید که تاثیر پایگاه اجتماعی خانواده بر میزان رشد حرکتی کودکان تا چه اندازه است؟ علاوه بر این هر یک از شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که شیوه زندگی را متفاوت کرده چه اندازه بر رشد حرکتی کودکان موثر است؟

### مبانی نظری پژوهش

رشد حرکتی در ابتدا مطالعه تغییرات رفتار حرکتی است، چون این تغییرات از کودکی تا بزرگسالی بسیاری از ابعاد رفتار حرکتی انسان را شامل می‌شود و این فرآیند در تعامل‌های ارگانیک در حال رشد و محیطش پدید می‌آید. لذا تعریف زیر بهترین تعریف جامع از رشد حرکتی می‌تواند باشد:

مطالعه تغییرات رفتار حرکتی در طول عمر. فرایندهای زیر ساخت این تغییرات هستند و عواملی که روی آن تاثیر می‌گذارند (ایساکس، ۱۳۸۴: ۵).

رشد حرکتی فرآیندی مستمر و پویا است، اما بنیادهای ابتدایی آن در دوران کودکی شکل می‌گیرد و سپس این فرآیند تحت تاثیر عوامل زیادی که به تنهایی یا در تعامل یادگیری عمل می‌نماید قرار می‌گیرد. رشد حرکتی تحت تاثیر سه عامل فردی، محیطی و تکلیفی در طول چرخه زندگی قرار دارد (گالاهو، ۱۳۹۰: ۱۱۲). در میان عوامل محیطی تاثیر گذار بر رشد حرکتی کودکان، خانواده به عنوان محیط مناسب و موثر جهت شکل‌گیری حرکات اولیه و

بنیادی کودک باید مورد توجه قرار گیرد. وضعیت یک خانواده را پایگاه یا طبقه اجتماعی تعیین می‌کند پایگاه اجتماعی بر اساس سه مولفه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارزیابی می‌شود. اگر چه اصطلاح بالا و پایین بر اساس معیارهای ارزشی است ولیکن تاحدودی این مولفه و شاخصه‌های آن در اکثر جوامع یکسان است بر این اساس مهمترین معیارها عبارتند از:

۱- ثروت (از جمله درآمد و حاکمیت)

۲- تحصیلات (و متخصص یعنی توانایی‌های واقعی علمی و عملی نه مدرک)

۳- مشاغل (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۴۱).

عوامل متعددی می‌تواند در چگونگی سنجش پایگاه اجتماعی افراد مؤثر باشد. نیاکان و اصل و نسبت، وضعیت تمکن، مفید بودن بویژه از لحاظ شغلی، میزان و نوع تحصیلات و خصوصیات بیولوژیکی از جمله عوامل مؤثر در تعیین پایگاه اجتماعی است (نیک‌گهر، ۱۳۸۷: ۶۰).

بدون شک تعیین پایگاه اجتماعی بر حسب شاخص‌های ذکر شده می‌تواند شرایط متفاوتی از محیط زندگی، شیوه زندگی و فضای تربیتی را برای کودک فراهم کند که هر یک این موارد می‌تواند بر رشد حرکتی کودک مؤثر واقع شود. توجه به پایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر رشد و نمو، وزن و سن بلوغ و یا خصوصیات روحی و شخصیتی کودکان قبلاً توسط پژوهشگران مورد ارزیابی قرار گرفته است، اما ارتباط بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده‌ها و رشد حرکتی کودکان مورد بررسی قرار نگرفته است و یا در مواردی از پژوهش‌های خارج از کشور و در مقوله تفاوت‌های قومی و نژادی مثل کودکان سیاه‌پوست و سفید پوست مورد پژوهش قرار گرفته است (هی‌وود، ۱۳۷۸: ۵۰۴). لذا با توجه به اهمیتی که رشد حرکتی و تاثیر آن بر سلامتی افراد دارد، شناسایی عوامل مؤثر بر آن به خصوص در دوره‌های حساس کودکی ضروری به نظر می‌رسد و از طرفی چون دوره کودکی غالباً در کنار خانواده طی می‌شود تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها می‌تواند شرایط متفاوتی را جهت توسعه رشد حرکتی کودکان فراهم کند. از آنجایی که شاخص‌ها و ملاک‌های تعیین پایگاه اجتماعی در هر جامعه‌ای متفاوت است، لذا این تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی ایجاب می‌کند پژوهش‌هایی مختص هر جامعه در این زمینه صورت گیرد. شناسایی

ارتباط پایگاه اجتماعی خانواده و تاثیر آن بر رشد حرکتی کودکان می‌تواند علاوه بر تعیین عوامل اثرگذار بر رشد حرکتی و میزان اثرگذاری آنها راهگشای پیشگیر از بسیاری از مشکلات حرکتی کودکان در آینده شود.

### پیشینه پژوهش

در سال ۱۳۸۷ خانم دکتر فرزانه داوری اعتباریابی و هنجارسازی آزمون رشد حرکتی دنور II را در شهر اصفهان انجام داده‌اند نتایج پژوهش نشان داد پایایی بین ارزیاب‌ها برای تکالیف درشت و ظریف به ترتیب برابر با  $p=0.96$  و  $r=0.95$  بوده است. و پایایی زمانی برای تکالیف درشت و ظریف به ترتیب  $p=0.96$  و  $r=0.98$  بوده است (داوری، ۱۳۸۷).

در پژوهشی سیدمهدی آقاپور و همکاران به بررسی فراتحلیلی تعامل رشد حرکتی و اجتماعی پرداختند. نتایج این پژوهش به همسو بودن نتایج رساله‌ها اشاره داشتند و تعامل رشد حرکتی و رشد اجتماعی را به اثبات رساندند (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۵).

حسین عسگری در سال ۱۳۸۵ به بررسی تفاوت پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین و تاثیر آن بر شیوه فرزندپروری پرداخت نتایج نشان داد بین پایگاه اجتماعی و سبک فرزندپروری مستبدانه رابطه منفی و با سبک سهل انگارانه رابطه مثبت وجود دارد. بین تحصیلات و شیوه فرزندپروری در برخی ابعاد رابطه معناداری است بین درآمد و سبک مقتدرانه رابطه منفی وجود دارد و بین درآمد و سبک مقتدرانه رابطه معناداری وجود نداشت بین سبک سهل انگارانه و درآمد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (عسگری، ۱۳۸۵).

در سال ۱۳۸۰ مژگان فرج زاده به بررسی رابطه پایگاه اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی دانش آموزان مقطع متوسطه شهر کرد پرداخت. نتایج نشان داد: بین پایگاه اجتماعی خانواده با ارزش‌های اقتصادی از لحاظ اسامی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین پایگاه اجتماعی خانواده با ارزش‌های هنری، اجتماعی، سیاسی مذهبی و علمی از نظر آماری رابطه معناداری وجود دارد (فرج‌زاده، ۱۳۸۰).

وتر و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی رابطه اجرای مهارت‌های پایه در کودکان قبل از دبستان با معرفیت خانوادگی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین خانواده

محیط رفتار و عقاید والدین بر اجرایی مهارت‌های پایه کودکان رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین تحصیلات والدین، سطح فعالیت بدنی پدر و انتقال کودک با دو چرخه به مدرسه رابطه مثبتی وجود دارد. اما رابطه منفی بین تماشای تلویزیون، کتاب خواندن پدر و فرزندان و میزان فعالیت بدنی آنان گزارش شده است (وتر، ۲۰۱۱).

در پژوهشی کودهاری و همکاران تأثیر تغذیه و عوامل اقتصادی - اجتماعی را بر روی رشد حرکت کودکان ناحیه پلوریا هند بررسی کردند نتایج این پژوهش نشان داد جنس اثر معناداری بر سرعت دویدن، چابکی، هماهنگی و انعطاف داشت این برتری در پسران بیشتر از دختران دیده شد. در مجموع امتیازات آزمون رشد حرکتی و همه مهارت‌های فردی کودکان با تغذیه خوب امتیاز بالاتری نسبت به کودکان با تغذیه ضعیف تر ترکیب کردند در کل وضعیت تغذیه پایگاه اجتماعی اقتصادی و قد تأثیر معناداری در مجموع آزمون رشد حرکتی است (کودهاری و همکاران، ۲۰۱۰).

کروم هولز در سال ۲۰۰۶ در پژوهش رابطه بین اجرای فیزیکی و سن، جنس، طبقه اجتماعی و فعالیت‌های ورزشی در مدارس ابتدایی را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد بین رشد فیزیکی و اجرای فیزیکی و شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این آمادگی جسمانی و اجرای فیزیکی با افزایش سن بهبود می‌یابد. تفاوت معناداری بین اجراهای دختر و پسر دیده شد. هم چنین نتایج نشان داد کودکان با طبقه اجتماعی بالا اجرای بهتری داشتند نسبت به کودکانی با طبقه اجتماعی پایین تر و کسانی که در برنامه‌های خارج از مدرسه شرکت می‌کردند اجرای فیزیکی و شناختی بهتری داشتند (هولز، ۲۰۰۶).

سیدا و مایاشیتها، رشد دستکاری مواد را در بین کودکان ژاپنی مورد پژوهش قرار دادند و پس نتایج این پژوهش اهمیت انجام مقایسه بین فرهنگی با کودکان بریتانیایی مقایسه کردند نتایج نشان داد کودکان ژاپنی در توالی رشدی وضیت انگشت شبیه به کودکان بریتانیایی بودند آنچه که بین دو گروه متفاوت بودن پیدایش سرمایه پویا (گرفتن مواد) در کودکان ژاپنی ۳۵ ماهگی و کودکان بریتانیایی ۱۳ ماه بعد از آن بود پژوهشگران حدس زدند این امر به دلیل تفاوت‌های فرهنگی رخ می‌دهند نکته قابل این بود که کودکان ژاپنی چون اغلب از چوبتیسک

برای خوردن غذا استفاده می کنند آنها را قادر می سازد مهارت های دستکاری را زودتر از سن اولیه ارائه دهند (سیدا وهمکاران، ۱۹۷۹).

لی در ۱۹۸۰ تأثیر تمرینات پرورشی کودک بر اجرای حرکتی آنها را در بین کودکان سفیدپوست و سیاه پوست بررسی کرد. این پژوهشگر بر روی کودکان طبقات پایین تر اجتماعی از هر دو نژاد مطالعه کرد. براساس نتایج این پژوهش که کودکان ۷ تا ۹۸ ساله را به دو گروه تقسیم شده کودکانی که توسط مادران غیر هندی تربیت می شوند مهارت بیشتر در پریدن و دویدن دارند. لی از این پژوهش نتیجه گرفت محیط آزاد خانوادگی توسعه و رشد حرکات کودکان بهتر است (لی، ۱۹۸۰).

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر پیمایشی است و چون داده ها توسط ابزار پرسشنامه و آزمون استاندارد رشد حرکتی دنور ۲ جمع آوری شد از نوع پژوهش میدانی است. پرسشنامه این پژوهش که بر اساس چهار چوب نظری تحقیق تنظیم شده بود توسط والدین تکمیل شد و میزان رشد حرکتی کودکان توسط آزمون رشدی دنور ۲ سنجیده شد. آزمون رشد حرکتی دنور ۲ یک آزمون نرم-مرجع است که به سنجش مهارت ها و توانایی های یک فرد با افراد مشابه از نظر سن، جنس و طبقه اجتماعی طراحی شده است (شجاعی، ۱۳۸۵، ۱۵۵). این آزمون در ابتدا در سال ۱۹۶۷ برای نوزادان ساخته شد و سپس در سال ۱۹۹۲ یک بازنگری عمده و استاندارد سازی مجدد در آن صورت گرفت (فرانکبرگ و دوروس ۱۹۹۲) و اعتبار یابی این آزمون در سال ۱۳۸۷ در اصفهان انجام شده است (داوری، ۱۳۸۷). جامعه آماری این پژوهش تعداد ۲۷۸۷۴ کودک ۳-۴ ساله شهر اصفهان بوده که تعداد ۲۴۵ نفر از آنها با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. با توجه به اینکه جهت دسترسی بهتر این تعداد کودک را از مهد کودک ها انتخاب شدند از شیوه نمونه گیری ترکیبی-احتمالی-خوشه ای-سیستماتیک استفاده کردیم. سپس برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون همبستگی و تحلیل واریانس و رگرسیون استفاده شده است.

## فرضیات پژوهش

- بین پایگاه اجتماعی خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ترتیب تولد فرزندان خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.
- بین ترتیب تولد فرزندان خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت درشت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سطح سواد مادر و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سطح سواد مادر و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سطح سواد پدر و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سطح سواد پدر و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین الگوی غذایی خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود ندارد.
- بین الگوی غذایی خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعداد فرزندان خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تعداد فرزندان خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.



- بین قد و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

- بین قد و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نحوه گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

- بین نحوه گذران اوقات فراغت خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

- بین سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

### یافته‌های پژوهش

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم که نتیجه به شرح زیر است.

$$r = 0/24 \text{ sig} = 0/001 \text{ N} = 245$$

با توجه به سطح معناداری بدست آمده فرضیه ما تایید می‌شود به عبارت دیگر هر چه پایگاه اجتماعی خانواده بالاتر است مهارت‌های ظریف فرزندان نیز بهتر است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم که نتیجه به شرح زیر است.

$$r = 0/133 \text{ sig} = 0/037 \text{ N} = 245$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تایید شده است، ولی رابطه منفی بوده است، یعنی هر چه پایگاه اجتماعی بالاتر باشد میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی درشت فرزندان کمتر است.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین ترتیب تولد فرزندان و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده نموده‌ام که نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/053 \text{ sig} = 0/383 \text{ N} = 275$$

با توجه به سطح معناداری و نتایج بدست آمده این فرضیه تأیید نمی‌شود. به عبارتی دیگر کودکانی که ترتیب تولدشان متفاوت است در مهارت‌های ظریف‌شان تفاوتی ندارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین ترتیب تولد فرزندان و میزان و جنسیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده نموده‌ایم که نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/201 \text{ sig} = 0/001 \text{ N} = 275$$

با توجه به سطح معناداری فرضیه ما تایید شده است به عبارتی بین دیگر کودکانی که ترتیب تولدشان متفاوت است در مهارتی حرکتی درشت تفاوت دارند

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین سطح سواد ماد و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم و نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/150 \text{ sig} = 0/013 \text{ N} = 273$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تأیید شده است به عبارتی هر چه سطح سواد مادر بالاتر باشد میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی ظریف کودک بیشتر است.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد بین سطح سواد مادر و میزان وضعیت در مهارت‌های حرکتی درشت کودکان رابطه معناداری وجود دارد

جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم و نتایج زیر بدست آمد.

$$r = 0/232 \text{ sig} = 0/000 \text{ N} = 273$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تایید شده است ولی رابطه منفی بوده است یعنی هر چه سطح سواد مادر بالاتر باشد میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی درشت کمتر است.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد بین سطح سواد پدران و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم و نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/155^* \text{ sig} = 0/10 \text{ N} = 275$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تایید شده است به عبارتی هر چه سطح سواد پدر بالاتر باشد میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی ظریف کودک بیشتر است.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد بین سطح سواد پدران و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم و نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/173^{**} \text{ sig} = 0/004 \text{ N} = 275$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تایید شده است ولی رابطه منفی بوده یعنی هر چه سطح سواد پدران بالاتر باشد میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت کمتر است.

فرضیه ۹: به نظر می‌رسد میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف با الگوی غذایی متفاوت، متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس استفاده کردیم که نتیجه زیر بدست آمد.

$$F = 1/087 \text{ sig} = 0/364$$

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس و سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود به عبارتی هیچ تفاوتی در میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف با الگوهای غذایی متفاوت دیده نمی‌شود.

فرضیه ۱۰: به نظر می‌رسد میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت با الگوی غذایی متفاوت، متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس استفاده کردیم که نتیجه زیر بدست آمد:

$$F = 1/639 \quad \text{sing} = 0/048$$

با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس و سطح معناداری این فرضیه تأیید می‌شود به عبارتی میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت با الگوی غذایی متفاوت، تفاوت وجود دارد

فرضیه ۱۱: به نظر می‌رسد بین تعداد فرزندان و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی استفاده کردیم که نتیجه زیر بدست آمده است:

$$F = 0/071 \quad \text{sing} = 0/243$$

با توجه به نتایج تحلیل واریانس و سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود به عبارتی تعداد فرزندان تأثیری در میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی ظریف کودکان نداشته است.

فرضیه ۱۲: به نظر می‌رسد بین تعداد فرزندان و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

جهت آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی استفاده کردیم که نتیجه زیر بدست آمده است:

$$F = 0/204^{**} \quad \text{sing} = 0/001$$

با توجه به نتایج آزمون همبستگی و سطح معناداری این فرضیه تأیید می‌شود. به عبارتی بین تعداد فرزندان و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه می‌باشد و هر چه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود میزان اجرای مهارت‌های حرکتی درشت بیشتر می‌شود.

فرضیه ۱۳: به نظر می‌رسد بین قد فرزندان و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم که نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/305 \text{ sig} = 0/000 \text{ N} = 275$$

به علت اینکه ممکن است رابطه معنادار قد و مهارت‌های ظریف به خاطر وجود سن باشد از طریق آزمون همبستگی جزئی و حذف نقش من رابطه را مجدداً سنجیدیم که نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/2134 \text{ sig} = 0/000 \text{ N} = 272$$

در واقع حتی با ثابت نگه داشتن نقش سن رابطه تأیید شد یعنی به هر حال بچه‌هایی که قد بالاتری دارند توانایی‌هایشان در مهارت‌های ظریف بیشتر است.

فرضیه ۱۴: به نظر می‌رسد بین قد کودکان و میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کرده و سپس جهت حذف نقش سن توسط آزمون همبستگی جزئی نتایج زیر بدست آمد:

$$r = 0/0845 \text{ sig} = 0/163 \text{ N} = 272$$

فرضیه ۱۵: به نظر می‌رسد بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون T در گروه مستقل استفاده کردیم که نتایج زیر بدست آمد:

$$t = -0/616 \text{ sig} = 0/539 \text{ N} = 272$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود به عبارتی بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه ۱۶: به نظر می‌رسد بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

$$t = - ۰/۸۸۵ \text{ sig} = ۰/۳۷۷ \text{ N} = ۲۷۲$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود به عبارتی بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه ۱۷: به نظر می‌رسد بین نحوه گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان و مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس استفاده کردیم که نتایج زیر حاصل شد:

$$F = ۰/۸۳۸ \text{ sig} = ۰/۴۳۴$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود. به عبارتی بین نحوه گذراندن اوقات فراغت و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه وجود ندارد.

فرضیه ۱۸: به نظر می‌رسد بین نحوه گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان و مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس استفاده کردیم که نتایج زیر حاصل شد:

$$F = ۰/۱۷۷ \text{ sig} = ۰/۸۳۸$$

با توجه به سطح معناداری این فرضیه تأیید نمی‌شود. به عبارتی بین نحوه گذراندن اوقات فراغت و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه وجود ندارد.

فرضیه ۱۹: به نظر می‌رسد بین سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون T دو گروه مستقل استفاده کردیم که نتایج زیر بدست آمد

$$T = ۰/۹۲۷ \text{ df} = ۲۷۳ \text{ sig} = ۰/۳۵$$

با توجه به نتایج بدست آمده این فرضیه رد می‌شود. به عبارتی بین میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی ظریف و سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۲۰: به نظر می‌رسد بین سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون T دو گروه مستقل استفاده کردیم که نتایج زیر بدست

آمد

$$T = -0.342 \text{ df} = 273 \text{ sig} = 0.733$$

با توجه به نتایج بدست آمده این فرضیه رد می‌شود. به عبارتی بین میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت و سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش که در آن به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده و میزان رشد حرکتی کودکان پرداخته شد نشان داد که اصولاً خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی بالا شرایط بهتری از نظر تحصیلات، بهداشت و تغذیه داشته و این امر به نوبه خود می‌تواند باعث بهبود مهارت‌های حرکتی ظریف کودکان شود. اما از سوی دیگر شیوه زندگی مرفه و متجدد خانواده‌های طبقه بالای اجتماع به گونه ایی می‌باشد که فرصتهای تمرینی برای مهارت‌های حرکتی درشت نظیر پر تاب کردن، لی لی کردن، دویدن و شوت کردن را برای کودکان محدود می‌کند. این در حالی است که خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی پایین به اطفال خود اجازه می‌دهند تا بیشتر محیط خود را کاوش کند و با آزادی بیشتری اشیاء را در محیط خود دستکاری کند این امر باعث تسهیل رشد حرکتی کودکان می‌شود. از دیگر یافته‌های این پژوهش رابطه بین سطح سواد والدین با مهارت‌های حرکتی ظریف بوده این موضوع نشان دهنده آن است که والدین تحصیلکرده خود به مراتب در مهارت‌های حرکتی ظریف مهارت داشته و بیشتر کودکان خود را در زمینه تمرین و فراگیری مهارت‌های حرکتی ظریف تشویق می‌کنند از سوی دیگر عدم وجود رابطه بین والدین تحصیلکرده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت در ابتدا به دلیل محدود کردن فضای تمرین مهارت‌های حرکتی درشت در محیط خانه و اعمال شیوه‌های تربیتی عمدتاً ساکن برای کودکانی است که والدین تحصیلکرده دارند؛ از سوی دیگر، اکثر مادران تحصیلکرده شاغل هستند و کودکان خود را به

مهد کودک می‌سپارند این در حالی محیط مهد کودک‌ها نیز به دلیل تعداد زیاد اصولاً فعالیت‌های حرکتی کودک را محدود می‌کند.

در این پژوهش رابطه بین تعداد و ترتیب تولد کودکان در خانواده و میزان موفقیت در مهارت‌های حرکتی ظریف تایید نشد. این موضوع به این علت می‌تواند باشد که مهارت‌های حرکتی ظریف عمدتاً حرکاتی هستند که توسط عضلات کوچک بدن تولید می‌شوند و بیشتر شامل حرکاتی است که توسط دست‌ها انجام می‌شود نظیر دستکاری، گرفتن، نوشتن و ضربه زدن با انگشتان و این قبیل حرکات در تعامل شصت و چهار انگشت اجرا می‌شود و برای یادگیری و تمرین اصولاً به شریک و یار تمرینی نیاز ندارد و اغلب به صورت انفرادی توسط خود کودک اجرا و تمرین می‌شود. اما یافته‌های این پژوهش در مورد مهارت‌های حرکتی درشت نتایج عکس داشت؛ یعنی بین تعداد و ترتیب تولد کودکان و موفقیت در مهارت‌های حرکتی درشت رابطه وجود دارد این موضوع به این دلیل است که وجود خواهر و برادر در خانواده می‌تواند نقش همبازی و شریک برای تمرین مهارت‌هایی نظیر پرتاب کردن، پریدن و شوت کردن را برای کودک ایفا کند. بنابراین خواهر و برادر می‌توانند الگوی اثر گذار و عامل تقویت کننده برای توسعه مهارت‌های حرکتی درشت کودکان باشند.

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که نوع الگوی غذایی خانواده نمی‌تواند بر موفقیت مهارت‌های حرکتی ظریف کودکان تاثیر گذار باشد چون غالباً مهارت‌های حرکتی ظریف نیازی به قدرت عضلانی زیاد ندارند، اما رابطه بین نوع الگوی غذایی و مهارت‌های حرکتی درشت کودکان در تایید این مطلب است که رشد عضلانی کودک نیاز اولیه جهت رشد فاکتورهای نظیر قدرت و استقامت و تعادل است که به دنبال یک تغذیه خوب و مفید تامین خواهد شد. از طرفی یک الگوی غذایی مناسب در خانواده می‌تواند علاوه بر رفع نیازهای غذایی کودک در یک تعامل دو جانبه هم از سوی مادر و هم از سوی کودک با تامین سلامت جسمانی کودک در حال رشد موفقیت در اجراهای مهارت‌های حرکتی درشت را نیز تضمین کند.

طبق نتایج این پژوهش قد رابطه معنی داری با مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت داشت. قد یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های نمو خوب در سلامتی جسمانی کودک است کودکی که نمو



و بالیدگی مناسب داشته باشد بدون شک می‌تواند در اجرای مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف موفق باشد. از سوی دیگر رشد قدی مناسب نشانگر بالیدگی دستگاه اسکلتی کودک است. رشد قد کودک چه به صورت کلی چه به صورت رشد طول اندام‌ها باعث می‌شود که به لحاظ بیومکانیکی وضعیت مناسبی از اندام‌ها و مفاصل را برای اجرای هر چه بهتر الگوهای حرکتی فراهم کند. به عبارتی طول اندام‌ها عامل مؤثری جهت ایجاد سرعت حرکت و نیروی بیشتری در مهارت‌های حرکتی درشت نظیر پر تاب کردن، پریدن، لی لی کردن و... است. بدون شک افزایش قد کودکان می‌تواند عامل مؤثری در اجرای موفقیت‌آمیز مهارت‌های حرکتی درشت باشد.

دیگر یافته‌های این پژوهش عدم وجود رابطه معنی‌دار بین سابقه ورزشی والدین و میزان موفقیت کودکان در هر دو مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف را نشان داد. این موضوع می‌تواند به این دلیل باشد که اگر چه والدین نقش اصلی در فرآیند ورزشی شدن کودکان و گرایش‌های رفتاری آنها به فعالیت‌های حرکتی دارند. اما هنوز به طور قطع ثابت نشده است که داشتن والدین با سابقه ورزشی می‌تواند تضمین‌کننده داشتن فرزندانی با الگوهای حرکتی کامل باشد. از طرفی شاید سابقه ورزشی که والدین در پرسشنامه این پژوهش مشخص کرده‌اند تنها شرکت در فعالیت‌های روزمره و عادی ورزشی باشد نه ورزش حرفه‌ای که بتواند به طور بالقوه کودکان خود را نیز در استعداد ورزش خود شریک کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین نحوه گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به این دلیل می‌تواند باشد که نحوه گذراندن اکثر خانواده‌ها به مواردی اختصاص می‌یافت که در آن مهارت‌های حرکتی اجرا نمی‌شد، مثلاً تماشای تلویزیون یا دیدار از فامیل این نوع اوقات فراغت اصولاً فرصت‌تعمیرینی را جهت تمرین مهارت‌های حرکتی برای کودکان فراهم نمی‌کند. و اصولاً اوقات فراغت بدون تحرک زندگی‌های مدرن امروزی در فراهم آوردن شرایطی جهت فراگیری و اجرای مهارت‌های حرکتی درشت نقش چندانی ندارد.

دیگر نتایج این پژوهش نشان داد که بین وجود سابقه عقب‌ماندگی ذهنی در خانواده و میزان موفقیت کودکان در مهارت‌های درشت و ظریف رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این

مسأله می‌تواند نشان دهنده این موضوع باشد که عقب‌ماندگی ذهنی با اینکه حقیقتاً بر روی مهارت‌های حرکتی کودک تأثیر می‌گذارد ولی وجود ژنی بالقوه در خانواده نمی‌تواند متضمن عدم موفقیت دارای مهارت‌های حرکتی ظریف کودکان آن خانواده باشد.

## منابع

- ۱- آقاپور، مهدی و همکاران، (۱۳۸۵). بررسی فرا تحلیل تعادل رشد حرکتی و اجتماعی، نشریه حرکت، دوره ۲۷، شماره ۱۵۳.
- ۲- ایساکس، وی گریگوری پایه و لاری دی، (۱۳۸۴). رشد حرکتی انسان رویکردی در طول عمر، دکتر حسن خلجی، داریوش خواجوی، چاپ اول، ناشر دانشگاه اراک.
- ۳- داوری، فرزانه، حسن خلجی، عباس بهرام، انوشیروان کاظم‌نژاد، (۱۳۸۷). تعیین روایی و پایایی و هنجاریابی حیطه‌های حرکتی درشت و ظریف آزمون غربالگری رشدی. دنور II در کودکان ۳-۶ ساله شهر اصفهان، فصلنامه علوم حرکتی و ورزشی، شماره ۱۵.
- ۴- رفیع زاده، فرامرز. (۱۳۷۷). آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار تهران.
- ۵- شبانی، محمد. (۱۳۸۲). رشد و تکامل حرکتی، ناشر بنیان علوم تهران.
- ۶- شجاعی، معصومه. (۱۳۸۵). رشد حرکتی، ناشر دانشگاه امام حسین، چاپ دوم.
- ۷- عسگری، حسین. (۱۳۸۵). بررسی تفاوت پایگاه اجتماعی والدین بر شیوه فرزندپروری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۸- فرج‌زاده، مژگان. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزش دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرکرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۹- گالاهو، دیوید، جان لی ازمون. (۱۳۹۰). درک رشد حرکتی در دوران مختلف زندگی، دکتر رسول حمایت و همکاران، نشر علم و حرکت، تهران.
- ۱۰- مالینا، رابرت؛ کلود بوچارد، نمو. (۱۳۸۱). بالیدگی و فعالیت‌بدنی، مترجمان دکتر عباس بهرام، حسن خلجی.
- ۱۱- نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی. انتشارات توتیا.

۱۲- هیوود، کاتلین، (۱۳۷۸). رشد و تکامل حرکتی در طول عمر، دکتر مهدی نمازی زاده،

محمدعلی اصلانخانی، چاپ دوم، انتشارات سمت.

- 13- Chowdhury SD, Wrotniak BH and Ghosht. (2010) Nutritional and socioeconomic factors in motor development of sandal children of the parulia district. *Indium Early Human development*, V 86 , Issue , Decenmber. 779- 784.
- 14- Ferankenburg. W. K. Dodds. J. Archer. P. Shapiro. H & Bresnick. B (1992). The Denver II. A Major revision and restandardization of Denver Developmental screaming test. *Pediatrics*. (89), 91-97.
- 15- HeinZ krombholz, (2006), Physical, performance in Relation to age, sex, social closes and spats activities in kindergarten and elementary sehaet, perceptual and motor skills journal, volume 102. Issue2. Pp 477-484.
- 16- Lee. A. M (1980). Child reaing practices and motor performance of black and white children reaserch Quarterly for Eexercise and spat, 51, 494-500.
- 17- saida. yx, Miyashita. M (1979). Development of mote skills in children. maniupulation of a pencil in young children aged. 2to oyenn.
- 18- Wouter cooles. krintine de Martelar. christiane samaey and caroline andries. Fundamental movement skill performance of preschool children in relation to family contex. *sport science journal* V 29. Issue 7 Mar 2011, 649-660.

